

پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۳

پرونده

پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۳
"صفحه ۲۰ / گلشیری و "آینه‌های دردار

تلفیق داستان‌نویسی مدرن و قصه‌پردازی کلاسیک

[کسری رحیمی](#)

حسن می‌گفت: همیشه همین‌طور است، میان بر نمی‌شود زد. برای همین هم در اروپای شرقی حالا همه بالاجبار " برگشته اند سر جای اولشان

هادی گفت: پس می‌فرمایید تمدن یک جاده یک طرفه است که از اینجا تا ابدیت کشیده شده است و کار جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان اقتصاد و حتی سیاستمداران این است که مواظب باشند از این جاده کسی منحرف نشود؟

حسن که از همان اواسط حرف‌های هادی انگشتهایش را به لبه میز گیر داده بود، سرش را آورد جلو و گفت: من گفتم تا ابد؟ چرا باز حرف آدم را تحریف می‌کنی؟ من معتقدم تا اینجا که تمدن بشری رسیده است مسیر معلوم است، آنهایی هم که عقب افتاده اند نمی‌توانند میان بر بزنند

هادی که بلند شده بود و کیفش را به شانه انداخته بود و کلاه کپیش را به دست گرفته بود، گفت: باشد، قبول دارم که من غلو کردم، اما حالا هم با این فرض تو مخالفم. ببین حسن جان اگر قبول کنیم که مسیر جبری تاریخ بشری همین است که غرب پیموده است، پس چطور است به همه اقوام آفریقایی و آسیایی اعلام کنیم که دست از پا خطا نکنید تا ما یک الگو و چند مستشار برایتان بفرستیم تا با یک برنامه ریزی دقیق برسید به همین جا که ما حالا رسیده ایم؟

حسن که حالا دو دستش را ستون چانه کرده بود، گفت: سفسطه کن، هادی، سفسطه کن، اما توجه کن که مثلا حالا در همه جوامع بشری مسئله اصلی همین تکیه به آرای مردم است، حتی در حرف، پس در سراسر دنیا هیچ حکومتی، هیچ قومی نمی‌تواند نادیده اش بگیرد

هادی حالا دیگر کلاهش را سرش گذاشته بود و پشت صندلی اش هم ایستاده بود. دو دستش بر لبه پشتی صندلی بود، گفت: بله می‌دانم، مطبوعات اینجا را خوانده ام، تلویزیون اینجا را هم هر شب خودت که می‌دانی نگاه می‌کنم، البته هر شانزده کانال را نمی‌بینم، یعنی راستش نمی‌رسم که ببینم، ولی اقلا تفسیر و اخبار سه کانال را می‌بینم. همه اش حرف از دموکراسی است، دموکراسی عزیز تو؛ انگار در دنیا همین حالا کسی از گرسنگی نمی‌میرد، یا پشت گوش ما زردخانه‌های چهار دولت پر نیست از آن همه بمب. نه جانم، من اصلا فکر نمی‌کنم مسئله اصلی دموکراسی " ... است، یا

هوشنگ و ما

هوشنگ گلشیری را از پیشروترین نویسنده‌های معاصر می‌دانند، شاید از این رو که او در عرصه داستان‌نویسی نوین ایران نقش مهمی داشته، نسبت به بسیاری از نویسندگان هم عصرش به شکلی آگاهانه از مصالح و ابزار داستان‌نویسی بهره برده و پیوسته به مسأله فرم در داستان و شگردهای داستان‌نویسی توجه نشان داده است. اهمیت کار او زمانی برجسته تر می‌شود، که آثارش را در کنار آثار دیگر نویسندگان معاصر مورد بررسی قرار دهیم. گلشیری - چه پیش از انقلاب و چه در دو دهه پایانی زندگی اش - جزو معدود نویسندگانی است که از رویکردهای فرم‌محورانه در آثار بلند و کوتاهش بهره گرفته و تا حدودی متن داستانی را از بار سنگین مسوولیت‌های اصولن سیاسی - اجتماعی ای که دیگر نویسندگان به ادبیات داستانی ایران تحمیل کرده بودند، خالی می‌کند. این در حالی است که امروز نیز نگرش غالب بر آثار داستانی، هرگز سمت و سویی متن محور ندارد و اصولن تفسیرهای برون ذاتی - همچون تاویل‌های سیاسی، فرهنگی، تاریخی و روان‌کاوانه - مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا تلقی از نقش زبان در رمان، همچنان مبنی بر انتقال پیام یا معنا و مفهوم مورد نظر در منطق نثری جملات است. به جرأت می‌توان گفت گلشیری در تمام آثار کوتاه و

بلندش دغدغه فرم و ساختار داستان را داشته و پیوسته به این بُعد از داستان نویسی اش بیش از دیگر وجوه آثارش اهمیت نشان داده است. او نخستین نویسنده ایرانی ست که در حوزه روایت دست به تلفیق شیوه های مدرن داستان نویسی غرب با سنت قصه پردازانه کلاسیک مان می زند و تا حدودی این موضوع را به ویژگی لاینفک آثارش بدل می سازد. همچنین گلشیری در آثارش با ارجاع به متون و تاریخ پر فراز و فرود گذشته و انعکاس آن در زندگی معاصر، طرح نویی از ایرانی امروز به دست می دهد و با تکیه بر سنت ها و اسطوره های موجود در فرهنگ گذشته به آثارش صیغه ای بومی و ایرانی می بخشد. شاید دلیل پیش تازی گلشیری از دیگر نویسندگان معاصر - از جمله نویسندگان فعال در حوزه رئالیسم منطقه ای و رئالیسم سوسیالیستی- آشنایی عمیق او با شعر و توجه اش به فرم کلمات و شکل جملات بوده است. گلشیری در طول سال هایی که به نوشتن داستان مشغول بود از مطالعه شعر کلاسیک و خصوصا شعر نو، دست نمی کشد، به نحوی که جستارهای مفصلی بر اشعار نیما، شاملو و یادداشت هایی بر آثار فروغ، اخوان، رویایی و حتا چایچی می نویسد. این مساله نشان دهنده تمرکز همیشگی او بر شعر و طبیعتن زبان به عنوان عنصر بالذات و اصلی آن است. هر چند به تناسب بی میلی گلشیری به آن دسته شعرهایی که به گونه ای خالی از استعاره، توهم و فانتزی اند و از سوی دیگر شیفتگی او به شعر تلویحی- تلمیحی، پر صلابت و جدی توام با رویکردهای سیاسی- اجتماعی شاملو که زبان آن اصولا از منطق شعری تهی ست، می توان به سیاست های فرمی و ذائقه زبانی گلشیری نیز پی برد.

تگ ندارد

نشانی الکترونیکی: [honarrooz\(at\)gmail.com](mailto:honarrooz(at)gmail.com)